

استقراء منهجی معرفت شناختی در کشف مقاصد شریعت از منظر ابن تیمیه و شاطبی

سعید کریمی^۱، محمد آقاجانی^۲
(تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۲/۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۶/۱۰)

چکیده

یکی از روشهای کشف مقاصد شریعت به عنوان روشی معرفت شناختی، استقراء است. تبیین و تحلیل استقراء از منظر ابن تیمیه و شاطبی هدف مقاله حاضر است. ابن تیمیه و شاطبی از جمله مقاصدیین هستند که برای روش استقراء ارزش و اهمیت ویژه‌ای قائل شده‌اند؛ به گونه‌ای که ابن تیمیه امام استقرائین است و شاطبی هم در کتاب *الموافقات* در بیش از صد جای آن به روش استقراء ارجاع می‌دهد. کشف مصالح سه‌گانه ضروریات، حاجیات، تحسینیات و مقاصد خمس شریعت یعنی حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال از طریق استقراء در شریعت به دست می‌آید. روش استقراء به گونه‌ای است که با تفحص در تک تک ادله و روایات به امور و مسائلی کلی دست پیدا می‌کند که خود این امور به صورت کنبی در ادله موجود نیست؛ بلکه به‌مثابه تواتر معنوی مانند شجاعت علی علیه السلام و بخشش حاتم به اثبات می‌رسد. این نکته از جمله دستاوردهای مقاله حاضر به‌شمار می‌آید. هم‌چنین تفاوتها و تمایزاتی میان نظریه استقراء شاطبی و ابن تیمیه وجود دارد؛ به گونه‌ای که حصر مقاصد در پنج مورد از نظر ابن تیمیه صحیح نبوده و باید سایر مصالح موجود در دین اسلام نیز مورد توجه قرار بگیرد. به تعبیر دیگر رویکرد کلی ابن تیمیه

۱. دانشجوی دکتری فلسفه اخلاق، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران
(نویسنده مسئول) / karimiyahosein@gmail.com

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه مفید، قم، ایران /
aaghajani.ir@gmail.com

بیشتر بر کاربرد استقراء در عقاید و کلام متمرکز است، در حالی که شاطبی بیشتر بر کاربرد آن در فقه و اصول تأکید می‌کند. روش تحقیق در مقاله حاضر، توصیفی - تحلیلی است.

کلیدواژه‌ها: استقراء، مقاصد شریعت، ابن تیمیه، شاطبی، تواتر معنوی.

طرح مسئله

استقراء یکی از مهمترین روشهای استدلال و کسب معرفت در تاریخ اندیشه اسلامی بوده است. این روش که بر پایه مشاهده و بررسی موارد جزئی برای رسیدن به یک حکم کلی استوار است، توجه بسیاری از اندیشمندان مسلمان را به خود جلب کرده است. در میان این متفکران، ابن تیمیه (۶۶۱-۷۲۸ق) و شاطبی (۷۲۰-۷۹۰ق) جایگاه ویژه‌ای دارند. در فقه اهل سنت و بیشتر در کشف مقاصد شریعت مطرح است. استقراء یک روش مورد نیاز در اکثر علوم است. به گونه‌ای که شهید صدر معتقد است که همه استنتاجات بشری از راه قیاس به دست نمی‌آیند و ذهن بشری بسیاری از معارف و دانشهای خود را از طریق مقدماتی به دست می‌آورد که رابطه آنها با نتایجی که دارند، مانند رابطه مقدمات قیاس با نتیجه آن نیست؛ بلکه به صورت استقرائی است و بشر برای پیشبرد زندگانی و اهداف خود متوسل به روش استقراء می‌شود (سروش، ۱۳۹۳ش، ص ۴۲۷) و استقراء خود یکی از روشهای کشف واقعیات و استدلال بر آن در علم منطق به حساب می‌آید (ایازی، ۱۳۸۹ش، ص ۵۶۱). مبحث استقراء در کتب مجتهدینی مانند غزالی و قبل از او حتی نزد شیعه که در اجتهاد فقهی اعتماد بر استقراء کرده‌اند، وجود دارد. می‌توان یکی از دلایل تأسیس تراث اسلامی با منهج استقرائی را به خاطر مقابله با منهج قیاسی ارسطویی و نقد آن در نظر گرفت (حب‌الله، *اجتهاد المقاصدی و المناطی*، ۲۰۲۰م، ج ۱، ص ۳۱۷).

در کتب اصولی امامیه، از استقراء به عنوان یک اصل و حجت معتبر، بحث نشده و اعتبار آن ثابت نیست، مگر اینکه به نوعی به مذاق شرع یا تنقیح مناط قطعی منجر گردد (جعفر پیشه‌فرد، ۱۳۸۸ش، ص ۷۷). البته در میان فقهای شیعه نخستین کسی که مسئله استقراء را به صورت مستعمل و در طرح منظم و منطقی و مدون مطرح ساخت و برای آن مدخلی ویژه در عداد سایر عناوین اصولی قرار داد، شهید محمدباقر صدر (م ۱۴۰۰) است (صدر، ۱۳۹۵ق، صص ۱۶۵-۱۶۱). البته باید توجه داشت که استقراء دارای معانی و

تعاریف متعددی است. یک نوع از استقراء را ارسطو مطرح کرده است که به تبع او در علم منطق از آن بحث می‌کنند. نوع دیگری از استقراء هم وجود دارد که در مقاصد شریعت توسط بزرگانی هم چون ابن تیمیه و شاطبی مطرح گردیده است که در مقاله حاضر از این نوع سوم بحث خواهد شد.

پژوهش حاضر قصد دارد ابتدا به تبیین استقراء به عنوان یک روش معرفت‌شناختی بپردازد. سپس قرار است به بررسی و مقایسه دیدگاه‌های ابن تیمیه و شاطبی که بیشترین ارجاع به استقراء را بیان نموده است، در مورد استقراء بپردازد. هم‌چنین تفاوت استقراء منطقی با استقراء در مقاصد شریعت را بیان کرده و به عنوان روش معرفت‌شناختی تبیین نموده و به تأثیر آن در شناسایی مقاصد شریعت پرداخته می‌شود. سؤال اصلی این است که این دو اندیشمند چه تعریفی از استقراء ارائه داده‌اند و چه نقشی برای آن در نظام معرفت‌شناسی و استنباط احکام شرعی قائل شده‌اند؟

اهمیت این موضوع از آن جهت است که استقراء نه تنها در علوم تجربی، بلکه در علوم اسلامی نیز کاربرد گسترده‌ای دارد. درک دیدگاه‌های این دو متفکر تأثیرگذار می‌تواند به فهم بهتر جایگاه استقراء در اندیشه اسلامی و کاربردهای آن در استنباط احکام شرعی کمک کند.

در زبان فارسی برای روش معرفت‌شناختی استقراء در اصول فقه، کتب یا مقالات تألیفی خاصی در دسترس نیست؛ اما در زبان عربی آثار فراوانی موجود است. در زبان فارسی کتاب *اهداف دین از دیدگاه شاطبی* نوشته ریسونی و ترجمه آقایان سید حسن اسلامی و سید محمدعلی ابهری که در بخشی از آن به استقراء اشاره شده، موجود است. در شماره ۵۴ *مجله الاجتهاد و التجدید* مقاله‌ای از حب‌الله موجود است که در زمینه اهداف دین از دیدگاه شاطبی نوشته و در آن به نظریه استقراء شاطبی هم اشاره کرده است. خود نظریه استقراء در اصول و فقه را حب‌الله در کتاب *اجتهاد المقاصدی و المناطی* و کتاب *فقه المصلحه* بحث کرده است و در آن تا حدودی به استقراء در اهل تسنن و منهج استقراء در بین تشیع نیز پرداخته است. استفاده از منهج استقراء به صورت کاربردی و عملی در کتب مقاصدیینی از جمله ابن تیمیه، شاطبی و طاهر بن عاشور موجود است که در مقاله حاضر به بررسی، تبیین و تمایزات استقراء، از منظر ابن تیمیه و شاطبی پرداخته شده است. کتاب

الموافقات شاطبی، کتاب مقاصد الشریعه عند ابن تیمیه و کتاب مجموع الفتاوی ابن تیمیه، از جمله منابع مهم و مورد استفاده در مقاله حاضر جهت تشریح، تبیین و تحلیل نظریات ابن تیمیه و شاطبی در باب استقراء است. در منابع یادشده به صورت اختصاصی به تفکیک و تمایزات نظرات شاطبی و ابن تیمیه اشاره نشده است و هم چنین به نقدهای وارد شده و پاسخ به آنها هم خیلی اشاره نشده است. در مقاله حاضر در کنار بیان تفکیکها و تمایزات، برخی نقدهای وارد بر استقراء شاطبی و جواب از آنها هم خواهد آمد و در کنار آن به تحلیل و ارزیابی نظریه استقراء پرداخته خواهد شد. یکی از مباحث بسیار مهم در روش استقراء شاطبی این است که به این روش به عنوان استقراء عددی نباید نگاه شود؛ بلکه به عنوان استقراء معنوی و شهودی باید توجه کرد؛ به گونه ای که با این نگاه برخی از اشکالات وارد بر شاطبی رفع خواهد شد و اگرچه ممکن است برخی مصادیق در مقاصد شریعت مطرح نشود، اما روح و معانی آن مصادیق در ذیل مقاصد خمس شریعت جای می گیرد. مبحث عدالت، آزادی و مورادی از این قبیل با اینکه ذکر نشده است، اما از طریق استقراء معنوی در مقاصد شریعت می تواند در ذیل یکی از مقاصد خمس جای گیرد.

از جمله سؤالات مطرح شده این است که آیا استقراء می تواند به عنوان روش معرفت شناختی در فقه مقاصدی و فقه شیعه محسوب گردد؟ چگونه از طریق استقراء می توان به تحصیل مقاصد شریعت دست یافت؟ و چرا باید به استقراء به عنوان روشی جدید و مؤثر در فقه نگرست و بین دیدگاههای دو اندیشمند در زمینه شناسایی مقصد شریعت با استقراء چه تمایزاتی وجود دارد؟ لازم به ذکر است در اکثر علوم برای پیشبرد اهدافشان از استقراء استفاده می کنند. علم فقه نیز مستثنی از این قاعده نیست و استقراء مد نظر در اینجا مانند تواتر معنوی است که با استقراء و تفحص در تک تک ادله به یک سری امور کلی می رسیم که این امور کلی بعینه در امور استقراء شده موجود نیست؛ بلکه از دل این ادله استنباط می شود. به عنوان مثال مقاصد خمس شریعت مانند حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال به این صورت در متن ادله موجود نیست؛ بلکه بعد از استقراء از تمامی ادله به این پنج مورد دست پیدا می شود. هم چنین باید توجه کرد که روش معرفتی استقراء در فقه تشیع نیز به عنوان یک روش کاربردی و مهم مطرح است.

در مقاله حاضر پس از بیان انواع استقراء و تعریف آن، به تمایزاتی از دیدگاههای دو اندیشمند مذکور پرداخته شده است. هم‌چنین باید توجه داشت یقینی که مد نظر شاطبی و علمایی مانند اوست، یقین عرفی است و یقینی فلسفی و منطقی مد نظر نیست.

تعریف استقراء

محقق حلی استقراء را قضاوت حکمی به دلیل وجود آن در آنچه از جزئیات آن حکم شمرده می‌شود، می‌داند (محقق حلی، بی‌تا، ص ۲۲۰) و شهید صدر نیز استنتاج قانون عام و کلی از طریق تتبع و جست‌وجوی حالت‌های جزئی کثیر می‌داند (صدر، ۱۳۹۵ق، ص ۱۶۱). در نتیجه استقراء را در اصطلاح این‌گونه تعریف کرده‌اند: «حکم بر کلی به خاطر وجود آن در اکثر جزئیاتش. گفته شده است که در اکثر جزئیاتش، چون اگر حکم در جمیع جزئیات آن بود، دیگر استقراء نبود؛ بلکه قیاس می‌شد و این استقراء نامیده شده، چون مقدمات آن فقط به سبب تتبع جزئیات آن حاصل می‌گردد. به عنوان مثال هر حیوانی فک پایین خود را هنگام جویدن حرکت می‌دهد؛ چون انسان، چهارپایان و حیوانات وحشی این‌گونه‌اند و این استقراء ناقصی است که به خاطر جواز وجود جزئی که استقراء ندارد، افاده یقین نمی‌کند و حکم آن مخالف آن چیزی است که استقراء شده است، مانند تمساح که فک بالای خود را هنگام جویدن حرکت می‌دهد» (جرجانی، ۱۹۸۳م، صص ۱۹-۱۸). خوانساری نیز استقراء را حجتی می‌داند که ذهن به واسطه قضایای جزئی به نتایج کلی می‌رسد. به عبارت دیگر از جزئی به سوی کلی و از محسوس به سمت معقول سیر می‌کند (خوانساری، ۱۳۸۸ش، ص ۳۰۲).

انواع استقراء

۱. استقراء تام

استقراء تام استقرائی است که در آن حصر کلی در جزئیاتش است، سپس اجرای حکم واحد بر جزئیات آن صورت می‌گیرد تا آن حکم به آن کلی سرایت کند. در استقراء تام باید تفحص و جست‌وجوی جمیع جزئیات شود تا حکم شود به آن حکمی که هنوز برای جمیع آن ثابت نشده است (زرکشی، ۱۹۸۸م، ج ۶، ص ۱۰؛ ابن‌نجار، ۱۹۸۷م، ج ۴، صص ۴۱۹-۴۱۸؛ قرافی، ۱۹۹۳م، ص ۴۸۸). استقراء مفید یقینی را استقراء تام می‌گویند

(اعلائی، ۱۴۰۲ش، ص ۱۳۸). خوانساری نیز استقراء تام استقرائی است که افراد مورد نظر مشخص و محصور باشد و هر کدام از آنها به صورت جداگانه بررسی شده و سپس حکم کلی داده شود (خوانساری، ۱۳۸۸ق، ص ۳۰۲). البته برخی نیز ادعای عدم حجیت تام استقراء را نموده‌اند (موسوی بجنوردی، ۱۳۷۷ش، ج ۶، ص ۱۸۱).

۲. استقراء ناقص

استقرائی که در آن حصر کلی در جزئی نیست و تتبع برای جمیع جزئیات هم مد نظر نیست و بلکه تتبع در اکثر جزئیات می‌گردد تا حکم به آن کلی شود. این تقسیم مشهور نزد مناطق و اصولیون است و مقصود از استقراء هم در بسیاری از علوم، استقراء نوع دوم است (زرکشی، ۱۹۸۸م، ج ۶، ص ۱۰؛ ابن‌نجار، ۱۹۸۷م، ج ۴، صص ۴۱۹ - ۴۱۸؛ قرافی، ۱۹۹۳م، ص ۴۸۸). خوانساری نیز در استقراء ناقص افراد مورد نظر را نامعدود و غیرمحصور می‌داند و بعد از استقراء کردن، تعدادی که متصف به صفات مشترک شده‌اند، حکم آنها به کل افراد سرایت داده شود (خوانساری، ۱۳۸۸ش، ص ۳۰۲). استقراء ناقص افاده یقین نمی‌کند (اعلائی، ۱۴۰۲ش، ص ۱۳۸). مکارم شیرازی نیز در اینکه عقود لازمه با لفظ است را استقراء ناقص دانسته و می‌گوید: «استقراء ظنی است و استقراء تام عقلی حجت است» (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴ق، ص ۷۵). هاشمی شاهرودی نیز علت اینکه بسیاری از استقراءهای یادشده در فقه امامیه حجت نیست را به دلیل استقراء ناقص می‌داند (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۴۴۷).

ابن‌نجار نیز معتقد است که استدلال سه نوع است و آن استدلال یا به واسطه جزئی بر کلی است که استقراء نامیده می‌شود یا کلی بر جزئی است که قیاس نامیده می‌شود و یا به واسطه جزئی بر جزئی است که تمثیل نامیده می‌شود (ابن‌نجار، ۱۹۸۷م، ج ۴، ص ۴۲۱).

حجیت استقراء

استقراء تام را بدون خلاف حجت می‌دانند؛ چون وقتی حکمی برای هر فردی از افرادش بنا بر تفصیل ثابت شد، پس این حکم به صورت قطعی برای کل افرادش نیز ثابت خواهد گشت (زرکشی، ۱۹۸۸م، ج ۴، ص ۴۲۱؛ حب‌الله، *اجتهاد المقاصدی و المناطی*، ۲۰۲۰م،

ج ۱، ص ۳۲۰) و گفته شده است: «استقراء تا زمانی که افاده قطع نکند، حجت نیست» (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۱۸۳).

در استقراء ناقص بحث و اختلاف نظر وجود دارد و آن هم به خاطر احتمال تخلف برخی از جزئیات از حکم کلی است؛ چون معرفت پیدا کردن به جمیع جزئیات از آن مواردی است که احاطه و وقوف بر آن مشکل و سخت است (بدوی، ۲۰۰۰م، ص ۲۰۴).

اصح و بهتر این است که گفته شود افاده ظن غالب می‌کند. در بحر المحيط هم آمده است که شافعی به واسطه استقراء در مواضع و موارد متعدد و کثیری احتجاج کرده است (زرکشی، ۱۹۸۸م، ج ۶، صص ۱۱-۱۰؛ حب‌الله، *اجتهاد المقاصدی و المناطی*، ۲۰۲۰م، ج ۱، ص ۳۲۰). غزالی نیز معتقد است استقراء اگر تام باشد، در امور قطعی صلاحیت و حجیت دارد اما اگر تام نباشد در امور فقهی کاربرد داشته و حجت است (غزالی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۶۳).

تعریف مقاصد شریعت

به تعبیر ریسونی «فقه بدون مقاصد، فقه بدون روح است و فقیه بدون مقاصد نیز فقیه بدون روح است.» بنابراین مقاصد شریعت روح فقه محسوب می‌گردد (ریسونی، ۱۴۳۵ق، ص ۱۷). تأثیرگذارترین نظریه‌پرداز مقاصد شریعت در میان اهل‌تسنن شاطبی است (Abdelgafar, 2018, p60). از نظر عطیه هر کسی که بعد از شاطبی در زمینه مقاصد شریعت نظریه‌پردازی کرده، یا کار او را خلاصه کرده است و یا اینکه مباحث او را دسته‌بندی و مرتب کرده است و نوآوری جدیدی به وجود نیاورده است (Attia, 2007, p22). عبدالغفار نیز معتقد است هر کسی که بعد از شاطبی آمده یا کارهای او را خلاصه کرده یا اینکه دسته‌بندی خوبی از آن ارائه داده است (Abdelgafar, 2018, p11).

مراد از مقاصد شریعت را می‌توان به نحو موجز و مختصر در تعریف فاسی بیان کرد: «منظور از مقاصد شریعت، غایت آن و اسراری است که شارع وضع کرده است آن را به هنگام تشریح هر یک از احکام خودش» (فاسی، بی‌تا، ص ۳). علمای اسلام نیز به این صورت مقاصد شریعت را تلخیص کرده‌اند که مقصود از آن را جلب مصلحت و دفع مفسده دانسته‌اند و مدرک آنها در این زمینه علاوه بر استنباط کردن و استقراء در شریعت، وجود

نصوص معتبری است که در تعلیل به مصلحت و مفسده، دارای صراحت است (ریسونی، ۱۴۳۵ق، ص ۷۷).

مقاصد شریعت از منظر درجه اهمیت و ضرورت به سه دسته ضروری، حاجتی و تحسینی تقسیم می‌گردند. مقاصد و مصالح ضروری، مقاصد و مصالحی است که وجود آنها برای حفظ مصالح دنیا و آخرت ضروری است و با مختل شدت آنها مصالح دنیوی نیز مختل می‌گردد (مسعود، ۱۳۹۲ش، ص ۲۵۴). مقاصد ضروری پنج‌گانه عبارتند از: حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال. به اعتقاد شاطبی این امور پنج‌گانه در میان تمام ملتها مشترک است و تمامی ملل و ادیان این امور پنج‌گانه را قبول دارند (ریسونی، ۱۴۳۱ق، صص ۸۶-۸۵؛ خادمی، ۱۴۱۹ق، ص ۵۰).

مقاصد حاجتی مقاصد و مصالحی است که انسانها به آن نیاز مبرم دارند، مانند خرید و فروش، تجارت و مواردی از این قبیل. اگر این مصالح توسط انسانها محقق نگردد، در معرض رنج، تنگنا و مشقت زیادی قرار می‌گیرند (خادمی، ۱۳۹۶ش، صص ۱۱۸-۱۱۷). باید توجه کرد که مرحله حاجتی پایینتر از مرحله ضرورت است و با نبود مرحله دوم و یا فقدان آن هلاکت رخ نمی‌دهد؛ بر خلاف مورد اول که با نبودن آن موجب اختلال نظام می‌شود (همان‌جا). مقاصد تحسینی، مقاصد و مصالحی است که پایینتر از ضروری و حاجتی قرار دارد و موجب تکمیل، تحسین و زیبا ساختن وضعیت و امور انسانها می‌گردد (همان، صص ۱۲۳-۱۲۲).

باید توجه داشت که مقاصد سه‌گانه مذکور بنا بر شدت و مرتبه نیاز انسانها طراحی گردیده است. بنابراین مقاصد ضروری مقاصدی است که انسانها به صورت اضطراری و ضروری به آن نیاز پیدا می‌کنند و مقاصدی که مورد نیاز مردم است و اما به درجه ضرورت نمی‌رسد، حاجتی است و مقاصد نوع سوم هم‌چون موجب کمال و زیبا ساختن امور می‌گردد و در جایگاه تزئین و تحسین قرار می‌گیرد، تحسینی نام گرفته است (همان-جا).

مقاصد و مصالح را از جهت اعتبار و عدم اعتبار نیز می‌توان به مصالح معتبر، ملغی و مرسله دسته‌بندی کرد. مصلحتی که دلیل نقلی بر اعتبار آن در دسترس است، مصلحت معتبر نامیده می‌شود. مصلحتی که دلیل نقلی بر خلاف آن موجود است، مصلحت ملغی نامیده می‌شود و مصلحتی که بر تأیید و یا رد آن دلیل نقلی وجود ندارد، مصلحت مرسله

نامیده می‌شود. نوع اول حجت است و نوع دوم مردود است و نوع سوم هم در بین علما اختلاف نظر است (مسعود، ۱۳۹۲ ش، ص ۱۸۲؛ قضاوی، ۱۳۹۶ ش، صص ۲۶۷-۲۶۴). نکته مهم و قابل توجه این است که روش شناخت و معرفت تقسیمات ذکر شده، متعدد است که یکی از مهمترین روشهای معرفت شناختی و دستیابی به تقسیمات مذکور، استقراء در ادله است و عالمان مقاصد شریعت از طریق استقراء در ادله به این تقسیمات دست یافته‌اند.

استقراء از منظر ابن تیمیه

۱. تبیین استقراء

ابن تیمیه امام استقرائیین و شیخ آنهاست در اثبات مقاصد شریعت (بدوی، ۲۰۰۰ م، ص ۲۰۶). از نظر ابن تیمیه استدلال یا به واسطه عام بر خاص است یا به واسطه خاص بر عام یا یکی بر دیگری است (همان، ص ۲۰۵). قیاس مد نظر منطقه قیاس شمولی است و اصولیون نیز قیاس مد نظر خودشان را به تمثیل اختصاص می‌دهند (ابن تیمیه، ۱۹۷۶ م، ص ۱۶۲؛ ابن تیمیه، ۲۰۰۴ م، ج ۹، ص ۱۵۰). به اعتقاد ابن تیمیه حصر استدلالها در این سه تا درست نیست، چون استدلال به واسطه جزئی بر جزئی و کلی بر کلی هم داریم که به آیات قرآن مثال می‌زند (همان، ج ۹، صص ۱۸۸-۱۸۷ و ۲۰۴-۲۰۳).

همان‌گونه که در کتب منطقی آمده است، قیاس شمولی افاده یقین می‌کند؛ اما تمثیل افاده یقین نمی‌کند (همان، ج ۹، صص ۱۸۹-۱۸۷). ابن تیمیه از جمله ناقدین منطق نیز به‌شمار می‌رود و در برخی از آثارش از جمله در کتاب *فی الرد علی المنطق و مجموع الفتاوی* مباحث منطقی را نقد می‌کند. به عقیده ابن تیمیه قیاس تمثیل و شمولی با یکدیگر متلازم هستند و اعتبار را به ماده می‌داند و نه به صورت آن؛ چون معتقد است وقتی که ماده یقینی باشد، حالا خواه به صورت قیاس تمثیل یا شمولی در بیاید و به شکل هر کدام از آنها در بیاید، واحد است و خواه قیاس اقترانی باشد یا استثنائی. به عنوان مثال در انسان می‌توان گفت که این انسان است و هر انسانی مخلوق است یا حساس است یا حیوان است و یا هر چیزی از لوازم انسان و می‌توان این مورد را به صورتهای مختلف دسته‌بندی کرد؛ ولی چون ماده آن یقینی است، نتیجه هم در هر صورت یقینی می‌گردد. این انسان است، پس مخلوق است و یا اینکه این انسان است و انسانیت مستلزم این صفات است و یا اگر

انسان باشد متصف به این صفات می‌گردد. می‌توان گفت در همه این موارد ماده یکی است و صورتها متفاوت است و ریختن ماده در صورتهای مختلف تفاوتی ایجاد نمی‌کند (همان، ج ۹، ص ۱۸۸).

در مورد استقراء هم اگر تام باشد یقینی است و به قدر مشترک از آنچه در جمیع افراد آن یافت می‌شود، حکم می‌شود. به اعتقاد ابن تیمیه این استدلال به سبب جزئی بر کلی نیست؛ بلکه استدلال یکی از متلازمین برای دیگری است (همان‌جا). «پس وجود این حکم در هر فرد از افراد کلی عام موجب می‌شود لازم باشد برای آن کلی عام» (همان‌جا).

۲. برخی مواضع استقراء از نظر ابن تیمیه

هر کس استقراء در احوال عالم کرده باشد درمی‌یابد که مسلمانان از جهت عقلی نسبت به دیگران تواناتر هستند و آنها در یک مدت زمان اندکی به حقایق از علوم و اعمال رسیدند که آن چند برابر علوم و تلاشی است که دیگران به آن رسیده‌اند و دلیل آن هم استقراء است (بدوی، ۲۰۰۰م، ص ۲۰۷).

از نظر ابن تیمیه با استقراء و نظر کردن در مدارک احکام مشروع «اصل در جمیع اعیان موجود بنا بر اختلاف اصناف و تباین اوصافی که دارند، این است که حلال مطلق است برای انسانها» (ابن تیمیه، ۲۰۰۴م، ج ۲۱، ص ۵۳۵). از طریق استقراء استدلال شده است که با تدبیر در احوال عالم می‌توان به این نتیجه رسید که هر صلاح و برکتی که در زمین است (امور مثبت) سبب آن توحید خداوند و عبادت اوست. سبب هر شر و فتنه و هر بلا و قحطی و تسلط دشمنانی که در عالم موجود است (امور منفی) نیز مخالفت با رسول خدا ﷺ و دعوت به غیر از خداوند است (بدوی، ۲۰۰۰م، ص ۲۰۷).

به اعتقاد ابن تیمیه وقتی خداوند چیزی از خبائث را بر ما حرام کرد، به خاطر دوری از ضررهاست و طیبیات را مباح کرد و چیزی از طیبیات را بر ما حرام نکرد و هر کس استقراء در شریعت کند، این مطلب برای او واضح و روشن خواهد شد (ابن تیمیه، ۲۰۰۴م، ج ۲۰، ص ۵۸۳). علم پیدا کردن به قیاس صحیح و غلط نیز به دست آورده می‌شود، به واسطه کسی که آگاه و بصیر باشد به اسرار و مقاصد شریعت (همان‌جا). کسی که استقراء در شریعت کند، متوجه خواهد شد که تکلیف مشروط است به قدرت بر علم و عمل و هر

کسی از یکی از این دو تا را نداشته باشد، ساقط می‌شود از او تکلیف و لا یكلف الله نفساً الا وسعها (همان، ج ۲۱، ص ۶۳۱).

استقراء از منظر شاطبی

۱. تبیین استقراء

یکی از راههای شناخت مقاصد شریعت و کشف آن در نزد شاطبی، استقراء است. آنچه موجب تعجب ریسونی می‌گردد، این است که در کتاب شاطبی مکرر به استقراء اشاره کرده و ذکر استقراء به گونه‌ای فراوان است که در بیش از صد جای *الموافقات* از آن استفاده کرده است؛ اما آن را به عنوان روشی مستقل برای شناخت اهداف شریعت ذکر نکرده است (ریسونی، ۱۳۷۶ش، ص ۳۷۰). به اعتقاد عوده شاطبی از استقراء به عنوان یک روش بنیادین برای رسیدن به اهداف و مقاصد شریعت استفاده می‌کند (Auda, 2008, p22).

شاطبی در مقدمه اول از مقدمات سبزدگانه در کتاب *الموافقات* بیان می‌کند که اصول فقه باید قطعی باشد و ظن در آن را مردود می‌داند و دلیل آن را استقراء مفید قطع و یقینی می‌داند (شاطبی، ۱۹۹۳م، ج ۱، صص ۱۸-۱۷). در پاورقی کتاب، بن حسن آل‌سلیمان بیان می‌کند که وقتی جمیع مسائل علم اصول را مرور می‌کنیم قطع حاصل می‌کنیم که مبتنی بر کلیات شریعت سه گانه است و استقراء جمیع افراد هم ممکن است؛ چون مسائل آن محصور و مشخص است (همان‌جا). در چاپ کتاب *الموافقات* با پاورقی و حواشی عبدالله دراز بیان می‌کند که استقراء تام در اصول فقه ممکن است چون مسائل آن محصور و مشخص است (شاطبی، ۲۰۰۴م، ص ۱۸). حاصل مطلب شاطبی در مقدمه اول این است که کلیات شریعت یا مبتنی بر اصول عقلیه است و یا مبتنی بر استقراء کلی از شریعت است و هر دو نیز قطعی است (شاطبی، ۱۹۹۳م، ج ۱، ص ۱۸).

شاطبی در جایی دیگر ادله معتبر استقراء شده از جمله ادله ظنی را در نظر می‌گیرد که بر معنای واحدی جمع می‌شود تا افاده یقین کند و تواتر نیز افاده قطع می‌کند. به گونه‌ای که امور عام در شریعت با دلیل خاصی اثبات نمی‌گردد، بلکه از طریق استقراء در ادله به-دست می‌آیند؛ مانند تواتر معنوی در اموری مانند علم به شجاعت علی علیه السلام و بخشش حاتم که این موارد به واسطه تواتر معنوی ثابت شده است. ایشان در جایی دیگر از *الموافقات* هر مسئله‌ای را که ثمره عملی ندارد امری می‌داند که دلیل شرعی بر استحسان بودن آن

نیست و دلیل آن را استقراء در شریعت می‌داند (همان، ج ۱، ص ۴۳). همچنین در جایی دیگر از الموافقات، دلیل خود را برای اثبات قواعد سه‌گانه استقراء ذکر می‌کند و نظر کردن در ادله کلی و جزئی می‌داند (همان، ج ۲، صص ۸۲-۸۱). به اعتقاد بن‌حلاق بنیادهای معرفت‌شناختی نظریه شاطبی بر یک تحقیق جامع استقرائی استوار است (بن‌حلاق، ۱۳۹۵ش، ص ۲۴۳).

روش تأیید استقرائی شبیه روش تواتر معنوی است با این تفاوت که تواتر معنوی محدود به روایات نبوی است. در حالی که مبحث استقراء و تأیید آن بر اساس تعریف و تحلیلی که شاطبی از آنها دارد، بر طیف گسترده‌ای از ادله قرآنی و سنت گرفته تا اجماع، قیاس و قرینه حالیه را نیز شامل می‌گردد (همان‌جا).

شاطبی از روش معرفتی استقراء در بسیاری از جاهای الموافقات استفاده کرده و بهره می‌گیرد خصوصاً برای مهمترین بخش آن یعنی مقاصد خمسه شریعت که عبارتند از حفظ دین، نفس، عقل، نسل و مال. باید توجه کرد که برای این موارد برشمرده دلیل خاص و جزئی نمی‌توان پیدا کرد؛ به عبارت دیگر آیه یا روایتی خاص نداریم که بگوید مقاصد خمسه اینهاست و یا یکی از آنها را نام ببرد؛ بلکه علم به این امور پنج‌گانه در ذهن مسلمانان به نحو قطعی وجود دارد و این قطعیت در مقاصد خمسه از طریق استقراء در طیف وسیعی از ادله است (همان‌جا).

پس از استخراج قاعده عام به روش یقین استقرائی، هیچ قاعده خاصی توانایی کنار زدن و رد کردن قاعده عام را نخواهد داشت. استقراء تام در نظام معرفت‌شناختی شاطبی به معنای مدرن علمی آن نیست (همان، ص ۲۷۷). به عبارت دیگر در فقه و اصول یقین عرفی و استقراء تام عرفی ملاک و مد نظر است نه استقراء تام فلسفی و منطقی و خود شارع هم معیارهای منطقی و فلسفی را در شریعت وارد نکرده است. اگر اکثریت در یک ویژگی مشترک باشند، در این صورت اکثریت تبدیل به قاعده می‌گردد. بنابراین باید دقت کرد که در مسائل شرعی و فقهی یقین و اطمینان عرفی ملاک است نه منطقی (همان‌جا).

البته باید توجه داشت که شاطبی میان دو نوع از استقراء ضعیف و قوی تمایز می‌گذارد و سطح ضعیف آن در معرض ابطال است و سطح قوی آن به رغم ناقص بودن آن ولی یقین‌آور بوده و تخلف جزئی ضربه‌ای به قاعده کلی وارد نخواهد آورد (همان، ص ۲۷۸). به اعتقاد بن‌حلاق «ترکیب مفاهیم مقاصد و استقراء ابزار لازم را جهت دستیابی به اهداف

مذکور (یعنی نقد و ترغیب) در اختیار او قرار می‌داد. وی از ترکیب خلاق این دو مفهوم یک فلسفه فقه پدید آورد» (همان، ص ۲۹۳) و «بی‌تردید روش منطقی استقراء پیش از شاطبی به کمال رسیده بود، ولی وی تنها عالم اصول فقه است که می‌دانیم این روش را در سطحی به این پیچیدگی به کاربرد و به چنین نتایج قوی دست یافت. به نظر می‌رسد اهمیت استقراء آن‌گونه که شاطبی آن را در اصول فقه به خدمت گرفت، بر اخلاف وی روشن نبود» (همان‌جا).

باید توجه کرد که نظریه استقراء در میان افرادی مانند شاطبی متفاوت با نظریه شهید صدر است. صدر از طریق استقراء رسیده به یک قاعده یقینی و حقیقی مدنظر او بوده است. اما شاطبی می‌خواهد از طریق استقراء به قاعده‌ای برسد که صلاحیت برای مرجع شدن و قاعده شدن را داشته باشد، تا زمانی که استثنایی برای این قاعده نیامده باشد و حتی با آمدن یک یا چند استثناء باز هم این قاعده از کلیت ساقط نبوده و معتبر است، چون در امور فقهی یقین عرفی مدنظر است (حب‌الله، نظریه المقاصد عند الإمام الشاطبی، ۲۰۲۰م، صص ۷۴-۷۳).

۲. برخی مواقف استقراء از منظر شاطبی

شاطبی در ابتدای کتاب *المواقفات*، اصول فقه در دین را قطعی می‌داند و دلیل آن را برگشت آن به کلیات شریعت می‌داند و بیان اول او این است که به واسطه استقرائی که افاده قطع می‌کند، به دست آورده می‌شود و عبدالله دراز در پاورقی کتاب استقراء مفید قطع را این‌گونه توضیح می‌دهد که وقتی در جمیع مسائل علم اصول فحوص و جست‌وجو می‌شود، قطع حاصل می‌گردد که شریعت اسلام مبتنی بر کلیات سه‌گانه است. ممکن است سؤال شود که آیا استقراء جمیع افراد در اینجا ممکن است؟ به اعتقاد دراز ممکن است، چون مسائل آن محصور و قابل شمارش و در دسترس است (شاطبی، ۲۰۰۴م، ص ۱۸). از طرف دیگر شاطبی معتقد است که مصلحت و مفسده به واسطه استقراء ثابت می‌گردد و با عقل تنها نمی‌توان به مصلحت و مفسده رسید؛ در غیر این صورت حسن و قبح عقلی پیش می‌آید که جایز نیست (عبیدی، ۱۴۱۲ق، ص ۱۴۰).

شاطبی ابن مطلب که شریعت برای مصالح بندگان وضع شده است را از طریق استقراء در شریعت به دست می‌آورد و در مورد آن به آیاتی از قرآن ارجاع می‌دهد (شاطبی،

۲۰۰۴م، ص ۲۴۰) و شاطبی استقراء را به عنوان یک دلیل عمده در استدلال کردن بر قاعده («وضع و تشریح شرایع برای مصالح بندگان است» قرار داده است (جمع من المؤلفین، ۴۳۴ق، ج ۳، صص ۲۳۲-۲۳۱).

از نظر شاطبی قواعد سه گانه ضروری، حاجتی و تحسینی که شارع محافظت بر این امور را قصد کرده است، از طریق استقراء در شریعت و نظر کردن در ادله کلی و جزئی، به دست می آید و این مطلب را با استقراء معنوی ثابت می کند که این نوع از استقراء را با دلیل خاص نمی توان ثابت کرد؛ بلکه از طریق فحص و استقراء در تمامی ادله که مختلفند به دست آورده می شود؛ مانند جود و بخشش حاتم و شجاعت علی علیه السلام. از نظر شاطبی مردم نیز در اثبات و اعتقاد در مورد قواعد مذکور به دلیل خاصی تکیه نمی کنند؛ بلکه از طریق ظواهر و عموماً، مطلقاً و مقیداً و مواردی از این قبیل به دست می آورند و باید گفت که کلیت ادله شریعت دایرمدار حفظ قواعد سه گانه ضروری، حاجتی و تحسینی است (شاطبی، ۲۰۰۴م، ص ۲۴۷). در قانون گذاری شاطبی، مخاطب احکام و تکالیف شریعت برای تمامی مکلفین و دارای عمومیت است. به تعبیر دیگر تمامی تکالیفی که برای پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم وارد شده است، برای مکلفین هم لحاظ می گردد، مگر تکالیفی که استثناء شده و اختصاص به خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارد. باید گفت امتیازات نیز برای جمیع مکلفین لحاظ شده است و این مطلب از طریق استقراء در شریعت به دست می آید (همان، ص ۳۶۷).

از نظر شاطبی اصل در عبادات نسبت به مکلف تعبد است؛ بدون توجه به معنای آنها و اصل در عادات التفات و توجه کردن به معنای است و برای این امر سه دلیل ذکر می کند که اولین آن استقراء در شریعت است (شاطبی، ۲۰۰۴م، ص ۳۹۹؛ قضاوی، ۱۳۹۲ش، صص ۲۰۴-۲۰۰؛ قضاوی، ۱۳۹۶ش، صص ۱۲۹-۱۲۶). در جایی دیگر از *الموافقات* معتقد است که ادله شرعیه منافاتی با قضایای عقلی ندارد و برای این ادعای خود دلالتی را ذکر می کند که یکی از آنها استقراء است و معتقد است که مورد و مخاطب تکلفی عقل انسان است و با از بین رفتن عقل، تکلیف از انسان ساقط خواهد شد (شاطبی، ۲۰۰۴م، صص ۴۸۳-۴۸۲).

مطلب دیگری که برای تطبیق در مورد مبحث استقراء در نظر شاطبی مهم است، مربوط به علوم قرآنی است که شاطبی معتقد است آیاتی که در زمینه احکام شرعی در مکه نازل شده اند، از جمله احکام کلی محسوب شده و ثمراتی را در پی دارد و آن اینکه در این

مورد نسخ خیلی کم است و معتقد است نسخ در کلیات از جهت وقوعی صورت نگرفته است؛ اگرچه از جهت عقلی ممکن است و دلیل این ادعای خود را استقراء تام می‌داند و با استقراء تام در آیات قرآن کریم به این نتیجه رسیده است (شاطبی، ۲۰۰۴م، ص ۵۲۹). در جایی دیگر بیان می‌کند که در قواعد کلی و سه‌گانه ضروریات، حاجیات و تحسینیات نسخی صورت نگرفته است؛ بلکه نسخ در امور جزئی واقع شده و دلیل آن را استقراء می‌داند و هر چیزی که بازگشت به حفظ مقاصد خمسه کند، ثابت است (همان، ص ۵۳۷). بیشتر احکام شرعی وارد شده در قرآن کلی بوده و در جایی هم که به صورت جزئی آمده است، مآخذ آن کلی است و دلیل آن را بعد از استقراء معتبر، با آوردن آیات مختلف قرآن ذکر می‌کند (همان، ص ۶۸۸). در جایی دیگر بیان می‌کند که قواعد و قوانین شریعت اسلام در قرآن و سنت به طور کامل بیان شده است و چیزی هم از آن تخلف نخواهد کرد و دلیل استقراء هم آن را تبیین کرده و کار را بر کسانی که متخصص در کتاب و سنت هستند، راحت کرده است (همان، ص ۷۳۹).

تحلیل و ارزیابی روش معرفتی استقراء و بیان تمایزات شاطبی و ابن تیمیه

۱. تمایزات شاطبی و ابن تیمیه

یکی از نکات مهم در مبحث مقاصد شریعت و استقراء، تأثیرپذیری شاطبی از علمای قبل از خودش است. قبل از شاطبی علمای زیادی بوده‌اند که در زمینه مقاصد شریعت نظر داده‌اند؛ از جمله جوینی، غزالی، فخر رازی، آمدی، عزالدین بن عبدالسلام، ابن تیمیه و غیره. یکی از این تأثیرپذیریها برگشت به جوینی می‌کند که مبدع برخی مفاهیم از جمله مفاهیم سه‌گانه ضروری، حاجتی و تحسینی است (ریسونی، ۱۴۳۵ق، ص ۷۳). تقسیم مصالح به ضروری و حاجتی و تحسینی و مقاصد خمسه شریعت در کتاب *المستصفی* غزالی نیز بیان شده است. اما شاطبی آنها را توسعه داده و در ذیل آنها نوآوری‌هایی را در کتاب *المواقفات* به وجود آورده است. با این بیان در مبحث مقاصد شریعت از عالم بزرگی چون ابن تیمیه نیز تأثیر پذیرفته است. یکی از آن موارد می‌تواند بحث اضافی بودن مصالح و مفاسد باشد که مصلحت و مفسده خالص وجود ندارد و هر مصلحتی دارای درجه کمی از مفسده نیز هست و این هم مطلبی است که ابن تیمیه قبل از شاطبی در *مجموع الفتاوا*

بیان کرده است و بنابراین بعید نیست در مبحث استقراء نیز شاطبی از گذشتگان خود از جمله ابن تیمیه تأثیر پذیرفته باشد.

او در بخشهایی از کتاب *مجموع الفتاوی سخنانی* در مورد مقاصد شریعت مطرح می‌کند که متفاوت و متمایز با نظر شاطبی است. به اعتقاد ابن تیمیه کسانی که متخصص در علوم دینی و اصول فقه شده‌اند، از دو نوع مصالح سخن به میان آورده‌اند: مصالح دنیوی و مصالح اخروی. منظور و مقصود آنها از مصالح اخروی تربیت نفس و حکمتهایی است که موجب اخلاقی شدن انسانها می‌شود و مصالح دنیوی را هم به حفظ مقاصد پنج‌گانه خون، اموال، ناموس، عقل و ظاهر دین منحصر کرده‌اند. ابن تیمیه معتقد است در مقابل این موارد از برخی عبادات ظاهری و باطنی اعراض کرده‌اند، مانند شناخت و معرفت نسبت به خداوند، ملائکه خداوند، کتب و پیامبرانی که برای هدایت انسانها نازل شده است. هم‌چنین در برخی احوال قلوب مانند محبت نسبت به خداوند، خضوع و خشیت نسبت به خداوند، خالص کردن دین برای خداوند و توکل و امید بر خداوند در انجام کار و افعال متعدد. در کنار آن از برخی احکام نیز سخنی به میان نیامده است از جمله وفای به عهد کردن، صلح رحم کردن، رعایت حقوق همسایگان و حقوق مسلمین برخی بر برخی دیگر و باید متذکر شد که موارد برشمرده شده جزو مواردی است که در شریعت اسلام موجود است، در حالی که سخنی از آنها به میان نیامده است.

از عبارات و بیانات ابن تیمیه می‌توان به این نتیجه رسید که او بیشتر بر کاربرد استقراء در عقاید و کلام تمرکز دارد، در حالی که شاطبی بیشتر بر کاربرد آن در فقه و اصول تأکید می‌کند. مثالهایی را هم که بیان می‌کند، بیشتر در وادی عقاید، کلام و امور اخروی است. از جهت روش‌شناسی نیز ابن تیمیه و شاطبی دارای روش‌شناسی متفاوتی هستند. ابن تیمیه استقراء را بیشتر در چارچوب منطق و معرفت‌شناسی بررسی می‌کند، در حالی که شاطبی به آن در چارچوب اصول فقه و مقاصد شریعت توجه می‌نماید. این تفاوتها و نوآوریها نشان می‌دهد که هر دو متفکر سهم مهمی در توسعه و کاربرد مفهوم استقراء در اندیشه اسلامی داشته‌اند، اما هر یک از زاویه و با هدف متفاوتی به این موضوع پرداخته‌اند.

عبدالغفار نیز معتقد است هدف ابن تیمیه این بوده است که پای مقاصد را به سوی ارزشهای بالاتر و گسترده‌تری از جمله فضیلت، عدالت، حقوق اساسی و مواردی از این قبیل باز کند و نقدهای دقیق و مهمی نسبت به موارد اصولی انجام داده است؛ اما در مقابل

او، محققین و مجتهدین از این کار امتناع کردند و پنج هدف اصلی و برخی هم شش هدف اصلی مد نظرشان بوده است (Abdelgafar, 2018, p60).

همان‌گونه که از کلمات ابن تیمیه پیداست، نظر او درباره استقراء در شریعت و محصور کردن مقاصد در پنج مورد، متفاوت از شاطبی است و علاوه بر مقاصد خمس امور دیگری را برمی‌شمارد که به آنها توجه نشده و از آنها غفلت شده است. اما باید توجه داشت که شاطبی با استقراء در شریعت به اموری که ذکر می‌کند رسیده است و شاید اشکال ابن تیمیه بر افرادی مانند شاطبی وارد نباشد؛ برای اینکه استقراء مدنظر شاطبی که بعد از ابن تیمیه آمده، استقراء معنوی و مانند تواتر معنوی است و حتی بن حلاق هم بیان کرده است که شاطبی نظریه استقراء را به صورت متفاوت و نظام‌مندتر از افراد قبل از خودش مورد استفاده قرار داده و اشکال ابن تیمیه می‌تواند نسبت به کسانی باشد که هم‌دوره او یا قبل از او بوده‌اند. اشکال ابن تیمیه را برخی نیز در دوران کنونی بر نظریه مقاصد شریعت وارد می‌کنند؛ اما از یک جهت این اشکال وارد نبوده و ناشی از خلط میان استقراء ناقص منطقی با استقراء معنوی است که شاطبی در صدد انجام آن است. در استقراء ناقص از طریق جزئیها به یک حکم کلی رسیده می‌شود. وقتی کسی می‌بیند که کلاغ اول سیاه است و این امر به صورت متعدد تکرار می‌شود، حکم کلی می‌دهد که همه کلاغها سیاه‌اند. اما در نظریه استقراء شاطبی این‌گونه نیست و وقتی از دل شریعت مقاصد خمس را استخراج می‌کند، خود این مقاصد خمس به این صورت در ادله شریعت موجود نیست، بلکه از روح شریعت و از دل ادله شریعت استخراج می‌گردد. وقتی به عنوان مثال در آیات روایات بر نماز، روزه، حج، جهاد، زکات، خمس و مواردی از این قبیل تأکید می‌شود و ادله متعددی آورده می‌شود، از اینها کشف می‌گردد که شارع به حفظ دین در درجه اول اهمیت داده است و از طریق استقراء در موارد مذکور به مقصد حفظ دین می‌رسد و در مورد سایر مقاصد هم این‌گونه است. بنابراین مقاصد ذکر شده بعینه در متن ادله موجود نیست و اشکال برخی افراد این است که چرا برخی از مقاصدی که بعینه در ادله موجود است، آورده نشده است؟ چه بسا شاطبی آنها را نیز استقراء کرده و در استقراء معنوی زیر مجموعه یکی از مقاصد خمس قرار داده باشد. حتی اگر بتوان گفت با استقراء در شریعت می‌توان به موارد متعددی دست یافت که شاطبی یا دیگران آن را ذکر نکرده‌اند، این امر نیز می‌تواند به عنوان یک

نقطه قوت برای شریعت اسلام باشد که با کشف مقاصد دیگر بتواند با مقتضیات زمانه تطابق پیدا کرده و جوابگوی مسائل بشری تا ابد باشد.

از طرف دیگر یکی دیگر از نکاتی که در کتاب ابن تیمیه مطرح شده که در مقاصد موجود نیست، بحث رعایت حقوق همسایگان و حقوق مسلمین با یکدیگر است که این مورد هم جای بحث و بررسی دارد و می‌تواند برگشت کند به بحث رعایت عدالت میان مسلمین و یا رعایت حق آزادی و حریت مسلمین با یکدیگر و حتی اگر بخواهیم در حقوق بشر توسعه بدهیم، رعایت حقوق انسانها با یکدیگر را هم شامل شود که در این صورت یا می‌توان گفت در نظام قانون‌گذاری شاطبی این مورد را نیز زیرمجموعه یکی از همان مقاصد خمسسه قرار بدهیم و یا اینکه توسعه در باب مقاصد داده و این موارد را به صورت مستقل بحث و بررسی کنیم.

هم‌چنین استقراء جزو مهمترین دلیل کسانی است که قائل به سد ذرایع هستند. افرادی از جمله ابن تیمیه و ابن قیم. ابن تیمیه مثالهایی را در این مورد آورده است که می‌توان گفت موجب تمایز او با شاطبی می‌گردد. به عنوان مثال آن چیزی که در شریعت اسلام حرام گردیده است، خمر است، چون موجب تباهی و نابودی عقل می‌گردد و از طرف دیگر در شریعت اسلام یک قطره از آن هم حرام گردیده است، با اینکه یک قطره موجب مستی و یا تباهی عقل نمی‌گردد، اما از باب سد ذرایع و سد طریق برای رسیدن به آن است و اگر یک قطره اشکالی نداشته باشد، کم‌کم موجب فتح بابی برای مقدار بیشتری از خمر می‌شود.

۲. ارزیابی روش معرفتی استقراء

به نظر نگارندگان روش استقراء یکی از مهمترین روشها در کشف مقاصد شریعت و در علم فقه اسلامی به‌شمار می‌رود که به صورت پررنگ و گسترده در فقه اهل سنت مطرح است و در فقه شیعه خیلی کم‌رنگ است و جای گسترش این روش در فقه تشیع وجود دارد.

همان‌گونه که بیان شد روش استقراء مانند تواتر معنوی است و این‌گونه نیست که موارد استقراء شده عیناً در متن ادله موجود باشد؛ بلکه از طریق مذاق و روح شریعت توسط استقراء معنوی به امور استقراء شده می‌توان دست یافت و این امر می‌تواند برخی از اشکالات وارد شده بر مقاصد شریعت توسط معاصرین را برطرف کند. به نظر نگارنده

استقراء در ادله با بیانی که شاطبی معتقد است، بسیار دقیق است. باید دقت داشت که استقراء موجود استقرائی است که شبیه استقراء معنوی است و شاید بتوان گفت برخی از اشکالاتی که بر مقاصد خمس در شریعت وارد می‌شود، بی‌جهت است. مثلاً وقتی گفته می‌شود که تعداد مقاصد می‌توانست بیشتر از پنج تا باشد و یا اینکه چرا در بین مقاصد که شاطبی و دیگران آورده‌اند، آزادی، عدالت، حقوق زنان و مسائلی از این قبیل را مطرح نکرده است؟ از جمله عوده یکی از اشکالاتی را که در کتابش مطرح می‌کند، همین است که مقاصد شریعت با وجود اهمیت دادن به مسائل ضروری، اما به بنیادی‌ترین ارزشها مانند عدالت و آزادی توجهی نکرده است. به نظر نگارنده جواب این سؤالات در روش استقراء شاطبی موجود است. چون در استقراء روش به گونه‌ای است که شبیه به تواتر معنوی است. به عبارت دیگر حفظ دین یا حفظ نفس را نمی‌توان در هیچ‌جای ادله پیدا کرد؛ بلکه از طریق استقراء در موارد جزئی که مرتبط با حفظ دین یا عقل است، به این معنای کلی و یا روح کلی می‌رسیم که باید محافظت بر حفظ دین شود. مثلاً از طریق اهمیت دادن به نماز، روزه، زکات، حج و مواردی از این قبیل و استقراء تمامی آنها حفظ دین استنباط می‌شود و حفظ دین چیزی نیست که به صورت کتبی در ادله بیان شده باشد؛ بلکه از طریق استقراء در موارد جزئی به این کلی می‌رسیم که خود کلی، بعینه در جزئیها موجود نیست. هم‌چنین حفظ نفس به صورت کتبی و مستقیم در ادله موجود نیست؛ بلکه از طریق استقراء در ادله موجودی که به ما رسیده است استنباط می‌کنیم که باید حفظ نفس شود.

کسانی که اشکال می‌کنند، یکی از دلایلی این است که چون در ادله به برخی از الفاظ برخورد می‌کنند که مهم هستند، ولی نامی از آنها در میان مقاصد شریعت به میان نیامده است، الفاظی مانند عدالت، آزادی، برابری و غیره. اما باید توجه کرد که شاطبی و دیگر مقاصدیین از طریق استقراء در تمامی ادله به مقاصد خمس رسیده‌اند و به احتمال زیاد این الفاظ مذکور را هم دیده‌اند؛ ولی هدف آنها بیان الفاظ مذکور نبوده بلکه از دل تمامی ادله و تمامی این الفاظ به چند معنا یا روح مشترک رسیده‌اند که همان مقاصد خمس شریعت است و لفظ آزادی گرچه در میان مقاصد خمس وجود ندارد و اما به صورت استقراء معنوی می‌تواند ذیل یکی از مقاصد خمس جای داده شود و با این بیان مشکل جاودانی بودن دین و مطابقت آن با مقتضیات زمان نیز حل می‌شود. بنابراین به نظر نگارنده، حصر

در مقاصد خمس شریعت می‌تواند حصر عقلی باشد با این وجود شاید بتوان گفت، اشکال برخی از علما و مقاصدیین بر این حصر وارد نباشد. از طرف دیگر حتی اگر برخی با استقراء مجدد در ادله سعی در اضافه کردن مقاصد داشته باشند، این هم می‌تواند نکته مثبتی برای دین باشد که دین اسلام ظرفیت این را دارد که جوابگوی بشریت تا ابد باشد. البته باید متذکر شد که برخی اشکالات مهم دیگری بر مقاصد شریعت نیز وارد شده است که مهم است و شاید اشکالات واردی هم باشد که مجال پاسخ دادن به آنها، فرصت و مجال دیگری را می‌طلبد.

ریسونی هم معتقد است که دلیل ضروریات خمس، استقراء است و حتی اقوی دلیل را استقراء می‌داند. چون استقراء جمع ادله است و ترکیب مجمل ادله را به وجود می‌آورد. استدلال کردن به یک آیه و یا حدیث ضعیفتر از دلیلی است که مرکب از چندین آیه و روایت است (ریسونی، ۱۴۳۵ق، ص ۱۶۱).

نتیجه

۱. استقراء یکی از مهمترین روشهای کشف و شناخت مقاصد شریعت در فقه اسلامی است. متخصصین در مقاصد شریعت از این ابزار مهم در کشف مقاصد شریعت بهره برده‌اند و مصالح سه‌گانه ضروری، حاجتی و تحسینی را از طریق استقراء کشف کرده‌اند. نکته مهم متفاوت بودن استقراء در مقاصد شریعت با استقراء منطقی است.
۲. در مقاله حاضر نظرات دو تن از مقاصدیین بزرگ یعنی ابن تیمیه و شاطبی بیان شد و به تفکیکات و تمایزات میان آنها اشاره شده است.
۳. یکی از نتایج بسیار مهم در مقاله حاضر توجه کردن به روش استقراء است که امور کشف‌شده به واسطه استقراء عیناً در ادله شریعت موجود نیست؛ بلکه از طریق نوعی استقراء معنوی به دست آمده است. گویی روح حاکم بر شریعت کشف شده و هر کدام از ادله به تنهایی ظن آور است؛ اما با کنار هم قرار دادن هر یک از ادله که محتوایی متفاوت دارند، یک امر مشترک به دست می‌آید. همان‌گونه که شجاعت علی علیه السلام و بخشش حاتم و علم امام باقر علیه السلام به تواتر معنوی ثابت شده است، استقراء در شریعت و نتایج آن هم این-گونه ثابت می‌شود.

۴. باید مراقب بود تا استقراء معنوی در مقاصد شریعت، با استقراء ناقص ارسطو در منطق ارسطویی و استقراء جان استورات میل در کتاب *نظام منطق* خلط نگردد.
۵. استقراء مدنظر ابن تیمیه وسیعتر از استقراء مدنظر شاطبی است؛ به گونه‌ای که مصالح و مقاصد پنج‌گانه شریعت که مدنظر شاطبی است و از طریق استقراء در مقاصد شریعت به دست می‌آید، تنها یک سمت دین است و در کنار آن، باید به مصالح و مقاصد اخروی نیز توجه کرده و از طریق استقراء در شریعت آنها را نیز استخراج کرد. در نهایت می‌توان گفت روش استقراء نه تنها در فقه بلکه در سایر علوم از ارزش و اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. به عبارت دیگر ابن تیمیه بیشتر بر کاربرد استقراء در عقاید و کلام تمرکز دارد، در حالی که شاطبی بیشتر بر کاربرد آن در فقه و اصول تأکید می‌کند.
۶. به نظر نگارندگان مقاله، اشکال افرادی مانند ابن تیمیه و برخی از معاصرین درباره تعداد مقاصد شریعت که باید بیشتر از پنج تا باشد، بر شاطبی وارد نیست و از طریق استقراء معنوی و شهودی می‌توان پاسخ داد و این مطلب نیز یکی دیگر از نتایج مقاله حاضر است. از سوی دیگر می‌توان از ظرفیت استقراء معنوی در دیگر علوم و فنون نیز بهره‌مند شد.

فهرست منابع

- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم (۱۹۷۶م). *الرد علی المنطقیین*. لاهور: اداره ترجمان السنه.
- همو (۲۰۰۴م). *مجموع فتاوی شیخ الإسلام احمد بن تیمیه*. مدینه: مجمع الملك فهد لطباعة المصحف الشريف.
- ابن نجار فتوحی، محمد بن احمد (۱۹۸۷م). *شرح الكوكب المنيرة*. مکه: جامعة ام القرى.
- اعلائی، مهدی (۱۴۰۲ش). *اطالة علی مقاصد الشریعة*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- ایازی محمدعلی (۱۳۸۹ش). *ملاکات احکام و شیوه‌های استکشاف آن*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- بدوی، یوسف احمد (۲۰۰۰م). *مقاصد الشریعة عند ابن تیمیه*. امان: دارالفنانش.
- بن حلاق، وائل (۱۳۹۵ش). *تاریخ تئوریهای حقوقی اسلامی* (ترجمه محمد راسخ). تهران: نشر نی.
- جرجانی، علی بن محمد (بی تا). *التعريفات*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- جعفر پیشه‌فرد، مصطفی (۱۳۸۸ش). *درآمدی بر فقه مقارن*. تهران: بعثه مقام معظم رهبری.
- جمع من المؤلفین (۱۴۲۴ق). *معلمة زاید للقواعد الفقهیة و الاصولیة*. ابوظبی: مؤسسة زاید بن سلطان آل نهیان.
- حب‌الله، حیدر (۲۰۲۰م). *اجتهاد المقاصدی و المناطی المسارات و الأصول و العوائق و التأثيرات: اجتهاد المعنی فی أصول الفقه الإسلامی*. بیروت: دار روافد.
- همو (۲۰۲۰م). *نظریة المقاصد عند الإمام الشاطبی، عرض عابر و تعریف موجز بمشروع «الموافقات» مجلة الاجتهاد و التجديد، (۵۴)*.
- خادمی، نورالدین بن مختار (۱۳۹۶ش). *اهداف دین* (ترجمه سهیلا رستمی). تهران: احسان.
- همو (۱۴۱۹ق). *الاجتهاد المقاصدی حجیته، ضوابطه، مجالاته*. قطر: وزارة الاوقاف و الشؤون الإسلامیة.
- خوانساری، محمد (۱۳۸۸ش). *منطق صوری*. تهران: آگاه.
- ریسونی، احمد (۱۳۷۶ش). *اهداف دین از دیدگاه شاطبی* (ترجمه سید حسن اسلامی و سید محمدعلی ابهری). قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- همو (۱۴۳۵هق). *محاضرات فی مقاصد الشریعة*. قاهره: دارالکلمة.
- همو (۱۴۳۱ق). *مدخل الی مقاصد الشریعة*. قاهره: دارالکلمة.
- زرکشی، محمد بن عبدالله (۱۹۸۸م). *البحر المحيط فی أصول الفقه*. کویت: وزارة الاوقاف.
- سروش، عبدالکریم (۱۳۹۳ش). *تفریح صنع*. تهران: صراط.

- شاطبی، ابراهیم بن موسی (۱۹۹۳م). *المواقفات*. مدینه: دار ابن عفان.
- همو (۲۰۰۴م). *المواقفات*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- صدر، سید محمدباقر (۱۳۹۵ق). *دروس تمهیدیة فی علم الأصول المعالم الجدیة للأصول*. تهران: مکتبة النجاح.
- عبیدی، حمادی (۱۴۱۲ق). *الشاطبی و مقاصد الشریعة*. بیروت: دار ابن قتیبة.
- غزالی، محمد بن محمد (بی تا). *المستصفی من علم الأصول*. جده: شركة المدينة المنورة.
- فاسی، علال (بی تا). *مقاصد الشریعة الإسلامیة و مکارمها*. بی جا: مکتبة الوحدة العربیة.
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۹ق). *تفصیل الشریعة (الصلاة)*. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.
- قرافی، احمد بن ادريس (۱۹۹۳م). *شرح تنقیح الفصول*. بی جا: دار عطوة.
- قرضاوی، یوسف (۱۳۹۶ش). *اصول فقه سیاسی (ترجمه عبدالعزیز سلیمی)*. تهران: احسان.
- همو (۱۳۹۲ش). *پژوهشی در فقه مقاصد شریعت (ترجمه آزاد شافعیان و سید رضا اسعدی)*. تهران: احسان.
- محقق حلی، جعفر بن حسن (بی تا). *معارج الأصول*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- مسعود، محمدخالد (۱۳۹۲ش). *فلسفه حقوق اسلامی (ترجمه محمدرضا ظفری و فخرالدین اصغری آقمشهدی)*. قم: بوستان کتاب.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴ق). *کتاب النکاح*. قم: مدرسة الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام.
- موسوی بجنوردی، سید محمدحسن (۱۳۷۷ش). *القواعد الفقهیة*. قم: نشر الهادی.
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۸۲ش). *فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام*. قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.
- Abdelgafar, Basma (2018). *Public policy Beyand Traditional Jurisprudence A Magasid Approach*. Washington: IIIT.
- Attia, Gamal Eldin (2007). *Towards Realization of the Higher Intents of Islamic Law: Maqasid Al Shari'ah A Functional Approach*. Washington: IIIT.
- Ouda, Jasser (2008). *Maqasid Al-Sharia A Beginners Guid*. Washington: IIIT.